

مبانی فکری انسان اقتصادی در کتاب‌های اقتصاد خرد دانشگاهی و جایگاه آن براساس ارزش‌های اسلامی

دکتر محمدعلی مرادی*

چکیده

آموزش رشته اقتصاد در ایران همانند سایر رشته‌های علوم اجتماعی با چالش‌های اساسی مواجه است. یکی از این چالش‌ها بر مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای نظریه‌های مندرج در کتاب‌های درسی دانشگاهی استوار است. مبانی نظریه‌ای در این کتاب‌ها بر اساس مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای غرب استوار است. لذا، ضرورت دارد ضمن تبیین این مبانی در ایران، در آموزش نظریه‌ها در دانشگاه‌های ایران نیز به این مهم پرداخته شود. هدف این مقاله بررسی کتاب‌های درسی اقتصاد خرد تدریس شده در ایران است تا با آسیب‌شناسی آنها، خلأها و تفاوت‌ها را در ابعاد مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای احصاء و طی آن، مبانی انسان اقتصادی با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ویژگی‌های زمینه‌ای مؤثر بر آنها را تبیین نماید. برای این منظور از روش پژوهش کیفی، به مرور متون پرداخته و با تحلیل محتوا و بهره‌گیری از مبانی معرفتی اسلام و مبانی زمینه‌ای ایران؛ الگوی فکری - نظری که رفتار انسان اقتصادی را نشان می‌دهد، طراحی می‌شود. بر اساس یافته‌های این مقاله، مبانی فکری انسان اقتصادی در قالب مدل فکری - نظری با دو رویکرد استخراج می‌شود. یکی رویکرد نظری است که بر مبانی معرفتی استوار است و دومی رویکرد نظری - کاربردی که هم بر مبانی معرفتی و هم مبانی زمینه‌ای مبتنی است.

* استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران (mamoradi@ut.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱-۲۷

کلیدواژه‌ها

کتاب‌های اقتصاد خرد، مکتب نئو کلاسیک، مبانی معرفتی و زمینه‌ای، ارزش‌های اسلامی.

مقدمه

آموزش رشته اقتصاد در ایران همانند سایر رشته‌های علوم اجتماعی با چالش‌های اساسی مواجه است. یکی از این چالش‌ها بر مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای نظریه‌های مندرج در کتاب‌های درسی دانشگاهی استوار است. مبانی نظریه‌های در این کتاب‌ها بر اساس مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای غرب استوار است. با وجود این، باید اذعان داشت آموزش این قانون‌مندی‌ها به ارتقای دانش و تفکر علمی دانشجویان کمک می‌کند؛ اما از آنجا که در آموزش این نظریه‌ها کمتر به مبانی معرفتی و زمینه‌ای به صورت علمی پرداخته می‌شود، این خلأ بر رویکرد علمی دانشجویان تأثیر می‌گذارد و فارغ‌التحصیلان، به‌ویژه در مقاطع تحصیلی پایین‌تر، آگاهی کمتری درباره مبانی معرفتی و زمینه‌ای این نظریه‌ها پیدا می‌کنند و در نهایت در استفاده و به‌کارگیری آن‌ها در دنیای واقعی از جمله ایران با چالش مواجه شوند. بنابراین، ضرورت دارد ابتدا این مبانی تبیین و سپس در آموزش نظریه‌ها در دانشگاه‌های ایران نیز به این مهم پرداخته شود.

این مقاله درصدد است با بررسی متون منتخبی از کتاب‌های درسی اقتصاد خرد در ایران، مفروضات حاکم بر نظریه‌ها را در خصوص انسان اقتصادی، آسیب‌شناسی کند، خلأهای آن‌ها را در ابعاد مبانی معرفتی و زمینه‌ای برشمرد و ابعاد اساسی انسان اقتصادی را با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و مسائل زمینه‌ای تبیین کند. نگارنده با استفاده از روش پژوهش کیفی، به بررسی متون پرداخته و با تحلیل محتوا، تصویری از مبانی معرفتی و زمینه‌ای را در سطح خرد معرفی و بر اساس آن‌ها، الگوی فکری - نظری که رفتار انسان اقتصادی را نشان می‌دهد، تبیین کرده است.

بدین منظور، کتاب‌های مرجع درسی اقتصاد خرد که در بیشتر دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود، انتخاب و مبانی معرفتی و زمینه‌ای حاکم بر آن‌ها بحث و بررسی شده است. کتاب‌های نظام قیمت‌ها و تخصیص منابع از لفت ویچ و اکرت^۱ (۱۹۸۲)، نظریه اقتصاد خرد از کرپس^۲ (۱۹۹۰)، نظریه اقتصاد خرد از فرگسن^۳ (۱۹۶۶)، نظریه‌ها و مسائل

1. Leftwich and Eckert
2. Kreps
3. Ferguson

اقتصاد خرد از سالواتوره^۱ (۱۹۷۴)، اقتصاد خرد میانه از وئرثین^۲ (۲۰۰۶) و نظریه اقتصاد خرد: اصول بنیادی و توسعه آن از نیکلسن و اسنایدر^۳ (۲۰۰۸) آثاری هستند که مفروضات و تحلیل رفتار انسان اقتصادی آن‌ها در این مقاله بحث و بررسی خواهد شد.^۴

در ادامه مقاله پیشینه انسان اقتصادی، جایگاه مبانی معرفتی در شکل‌گیری نظریه‌های اقتصادی، انسان اقتصادی در کتاب‌های دانشگاهی، تعریف انسان اقتصادی، انتقادهای نظری و تجربی که بر انسان اقتصادی مطرح شده است، انسان اقتصادی از دیدگاه هستی‌شناسی و الگوی فکری - نظری انسان اقتصادی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی بررسی می‌شود.

مرور پیشینه انسان اقتصادی

این بخش، مطالعات انجام‌شده درباره انسان اقتصادی در ایران را بررسی می‌کند. تمام این مطالعات انسان اقتصادی نئو کلاسیک را رد می‌کنند و درصدد هستند با بهره‌گیری از منابع اسلامی، انسان اقتصادی را معرفی کنند.

هادوی‌نیا (۱۳۸۲) در کتاب *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام* به تبیین ابعاد انسان اقتصادی پرداخته است. وی ابتدا نفع‌طلبی و عقلانیت ابزاری انسان اقتصادی با رویکرد مادی در نظام سرمایه‌داری را با بهره‌گیری از روش مرور متون و رویکرد حاکم بر علم اقتصاد نئو کلاسیک را مورد انتقاد قرار می‌دهد و تصریح می‌کند علم اقتصاد در چهارچوب نئو کلاسیک بر اصل لذت و رنج استوار است؛ یعنی انسان درصدد تلاش کمتر برای لذت و تمتع بیشتر است. به بیان دیگر، انسان عقلایی نئو کلاسیکی با هزینه کمتر می‌خواهد به بیشترین رضایت‌مندی برسد. در مقابل در نگرش اسلام، انسان موجودی دو بُعدی و جاودانی است. تعریف وی از انسان اقتصادی که در مطالعات متعددی به آن استناد شده، بدین شرح است: «حد اکثرکننده بهره‌مندی‌های مادی و معنوی دنیوی و اخروی در گستره تولید، توزیع و مصرف با بهترین ترکیب». گفتنی است این تعریف با محوریت هدف مصرف‌کننده ارائه شده است.

1. Salvatore

2. Varian

3. Nicholson and Snyder

۴. با توجه به اینکه دیگر کتاب‌های اقتصاد خرد نیز مبانی مشترک و یکسانی با کتاب‌های بررسی‌شده دارند، برای جلوگیری از اطاله بحث از بررسی کتاب‌های دیگر خودداری شده است.

ایروانی (۱۳۹۱) انسان اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند: مقصود از انسان اقتصادی، ابعادی از رفتارها و روحیات انسان است که در حیطه مطالعه اقتصاددان قرار دارد. وی ویژگی‌های انسان اقتصادی را با استفاده از روش مرور متون، بررسی و طی آن دیدگاه سرمایه‌داری را نفع‌طلبی شخصی و عقلانیت ابزاری معرفی می‌کند و به نقد انسان اقتصادی از دیدگاه مکتب سرمایه‌داری می‌پردازد و در جمع‌بندی می‌گوید: انسان اقتصادی که مبتنی بر نفع شخصی و سود مادی این جهانی است و بر محوریت دئیسم، ناتورالیسم، فردگرایی و فایده‌گرایی استوار است. منظور و طاهری (۱۳۹۲) از روش مرور متون استفاده و مفروضات اقتصاد نئوکلاسیک، یعنی عقلانیت بی‌کرانه، اراده بی‌کرانه و منفعت‌طلبی بی‌کرانه را نقد می‌کنند. آن‌ها عقلانیت را به دلیل محدودیت‌های شناختی و اطلاعاتی، اراده را به دلیل ضعف آن و منفعت‌طلبی را به سبب توجه انسان‌ها به هم‌نوعان، دارای کرانه معرفی می‌کنند. همچنین، منظور و همکاران (۱۳۹۲) مفاهیمی نظیر عقلانیت، عدالت و معنویت را ابعاد کلیدی ساختار معرفت دینی معرفی می‌کنند و آن‌ها با استناد به قرآن و حدیث، به نقش عقلانیت، عدالت و معنویت در رفتار اقتصادی انسان می‌پردازند.

زراءنژاد (۱۳۹۲) در خصوص ضرورت بومی‌سازی و نوین‌سازی آموزش اقتصاد، با محوریت آموزش اقتصاد خرد، بحث و بررسی می‌کند. پورفرج و همکاران (۱۳۹۴) بر انسان‌شناسی دینی در سطح خرد تأکید می‌کنند و طی آن به بررسی و مطالعه رفتار انسان اقتصادی اسلام و رابطه دینداری و رفتار اقتصادی با روش تحقیق فراتحلیل می‌پردازند. نتایج این مقاله مؤید این است که دینداری در ابعاد نقش اخلاقی و گروه اجتماعی بر رفتار اقتصادی افراد تأثیرگذار است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از ارزش‌های اسلامی، درصدد است مبانی کنش انسان اقتصادی را تبیین کند. نتایج این مطالعات تأیید می‌کند نگاه نئوکلاسیکی به انسان با مبانی ارزشی و واقعیت‌های جوامع مختلف سازگار و منطبق نیست. علاوه بر آن، در این مطالعات ویژگی‌های انسان اقتصادی در اسلام نظیر عدالت، اعتدال، معنویت، ارزش‌های انسانی و فضایل اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری، عزم و اراده، خودباوری و اعتماد به نفس، ایمان و اعتقاد، احسان و ایثار که بر رفتار انسان اقتصادی تأثیرگذار است، معرفی می‌شود.

گفتنی است، مرور پیشینه مؤید این نکته است که مطالعات انجام گرفته بیشتر به تعریف انسان اقتصادی متمرکز شده و به برشمردن ویژگی‌های انسان اقتصادی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی بسنده کرده است. در مقاله حاضر، نخست به مجموعه‌ای از

اصول موضوعه برای تبیین رفتار انسان اقتصادی توجه شده است. سپس ضمن تکمیل ویژگی‌های انسان اقتصادی در ابعاد مثبت و منفی، رویکرد نظری رفتار انسان اقتصادی تبیین شده و بر این اساس، دو مدل فکری - نظری قصد و کنش معرفی شده است. همچنین برای تبیین رفتار تجربی انسان اقتصادی، مبانی زمینه‌ای که بر رفتار انسان تأثیر دارد، لحاظ شده است.

ریشه‌های مبانی معرفتی در نظریه‌های اقتصادی

درباره منشأ علم اقتصاد، تسول‌فیدس^۱ (۲۰۱۰) تصریح می‌کند این علم با ظهور سرمایه‌داری با محوریت بازار شکل گرفت. سرمایه‌داری از قرن ۱۶ تا قرن ۱۸ در اروپای غربی و در یک دوره طولانی ایجاد شد. در این دوره، نظام برده‌داری به تدریج جای خود را به نظام بازار داد. در نظام برده‌داری، برده تولیدکننده بود؛ در حالی که دستاورد کار آن در تملک صاحب برده قرار داشت. در این ساختار، امکان نظریه‌پردازی وجود ندارد. نظریه‌های اقتصادی قبل از آن نیز بر فقدان بازار و رقابت استوار بود و توزیع ثروت بر اساس عوامل غیراقتصادی و سنت‌ها از جمله با محوریت فئودال و برده بود. نویسندگان اسکولاستیک در آن زمان از مفهوم «قیمت عادلانه»^۲ در مقابل کسانی که صاحب قدرت بودند، استفاده می‌کردند و فضای حاکم بر آن غیررقابتی بود. اما به تدریج با ایجاد کسب‌وکارها و تجاری‌شدن تولید، بازارها شکل گرفت و به تبع آن علم اقتصاد به وجود آمد.

اسمیت^۳ در کتاب *نظریه عواطف اخلاقی*،^۴ (۱۷۶۱) در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه نیرویی جامعه را به صورت به هم پیوسته نگه می‌دارد. اسمیت از مدل نیوتن با محوریت خود - تنظیمی جهانی^۵ - که طی آن جاذبه زمین، حرکت سیارات را تعیین می‌کند - استفاده و تصریح می‌کند افراد جامعه با اخلاقیات، به هم پیوستگی و انسجام می‌یابند. تسول‌فیدس (۲۰۱۰) تأکید می‌کند اخلاقیات اسمیت با آنچه در دین مسیح بر ترس از مجازات و یا امید به پاداش در آخرت بنا شده، متفاوت است. اسمیت می‌گوید

1. Tsoulfidis

2. Just Price (Justum Pretium)

۳. آدام اسمیت در سال ۱۷۵۱ م صاحب کرسی «منطق» در دانشگاه گلاسگو و یک سال بعد استاد کرسی «فلسفه اخلاق» شد و تا زمان بازنشستگی، یعنی سال ۱۷۶۴ م، صاحب این کرسی بود.

4. *The Theory of the Moral Sentiments*

5. Universal Self-Regulated

استانداردهای اخلاقی به وسیله نظام اجتماعی حاکم تعیین می‌شود و نه با استانداردهای اخلاقی ثابت فطری و درونی که همیشه و در همه جا پابرجا هستند.

اسمیت اخلاق درونی و فطری را با «همدردی»^۱ جایگزین می‌کند و اذعان می‌دارد تمامی عواطف و احساسات افراد در رابطه با دیگران بر این گونه است که به مسائل پیش آمده برای افراد، از دید دیگران به آن نگاه می‌کند و به همین دلیل افراد خود را در شادی و غم دیگران شریک می‌دانند. وی تصریح می‌کند این رفتار غریزی نیست، بلکه ناشی از آموزش اجتماعی است؛ زیرا انسان به سطحی از رشد کامل رسیده است که این مسائل را درک کند. وی اضافه می‌کند پیامد آنی اصل همدردی، ادراکات اخلاقی را توصیف می‌کند. در جامعه‌ای که آزادی غالب است، سنت‌ها، آداب و رسوم و قدرت نهاد مرکزی مانند فتودال نقش چندانی در آن ندارد و افراد از دوران طفولیت، ادراکات اخلاقی را یاد می‌گیرند و این یادگیری پس از خانواده، در مدرسه و جامعه کامل می‌شود. اسمیت اضافه می‌کند این نهاد مرکزی مانند فتودال نیست که جامعه را از آشوب و فروپاشی حفظ کند؛ بلکه اصل همدردی با خیرخواهی افراد در هم می‌آمیزد و نیرویی را ایجاد می‌کند که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد. پایداری جامعه در قالب نظام اجتماعی بر نفع شخصی استوار است که سازوکار درونی را برای پیوستگی اجتماعی ایجاد می‌کند و این نظام به تصمیمات غیرمتمرکز فردی استوار است. این فرایند به گونه‌ای است که علاوه بر تأمین نیازهای افراد، با نیازهای جامعه نیز سازگار است.

این تحلیل، اسمیت را به سمت کشف قوانینی سوق می‌دهد که بر جامعه مدرن آن زمان حاکم بود. وی بر این اساس، کارکرد «دست نامرئی»^۲ در چهارچوب کنش انسان را معرفی می‌کند که طی آن نفع شخصی افراد با علایق جامعه، مطابقت و همخوانی پیدا می‌کند. اسمیت با معرفی قوانین اقتصادی و کارکرد آن، مبانی علم اقتصاد متعارف را تبیین می‌کند. به همین دلیل از اسمیت به عنوان بنیان‌گذار علم اقتصاد یاد می‌شود.

در خصوص ریشه‌های فکری اسمیت، تفضلی (۱۳۹۱) اذعان می‌دارد هاجسن، استاد اخلاق اسمیت، «دست راهنما» را مطرح می‌کند. هاجسن در این خصوص تصریح می‌کند تصمیمات غریزی از طریق دخالت الهی، که همان دست راهنماست، اتخاذ می‌شود. بنابراین، دست راهنمای هاجسن با محوریت دخالت الهی کارکرد دارد؛ در حالی

1. Sympathy
2. Invisible Hand

که در دست نامرئی اسمیت، نقش الهی کارکرد ندارد و به جای آن نفع شخصی با محوریت اخلاقیات - که آن هم با اخلاقیات مطرح در ادیان متفاوت است - کارکرد دارد. اسمیت با این تحلیل از اخلاقیات، بخشی از مبانی هستی‌شناسی را در نظریه‌های خود تبیین می‌کند. در حقیقت، اسمیت در نگاه به جهان‌شناسی به جای در نظر گرفتن دو جهان، فقط جهان حاضر را مبنای نظریه‌های خود قرار می‌دهد و نگرش‌های دین‌شناسی او نیز با محوریت جهان حاضر است. بنابراین در مبانی معرفتی اسمیت، ارتباط انسان با خداوند قطع است و نگاه اومانستی بر آن حاکم است. این نوع نگاه در جوامع غربی رایج است و بر تبیین نظریه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و جامعه‌شناسی در غرب سایه افکنده است.

انسان اقتصادی در کتاب‌های دانشگاهی

با توجه به اینکه موضوع انسان اقتصادی، رفتار انسان‌ها را به صورت انفرادی بررسی می‌کند، در این بخش، متون کتاب‌های اقتصاد خرد - که در بیشتر دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود - بررسی می‌شود. لفت‌ویچ و اکرت (۱۹۸۲) در کتاب *اقتصاد نظام قیمت‌ها* و تخصیص منابع به کارکرد نظام قیمت‌ها در نظام‌های مختلف اقتصادی پرداخته‌اند و اذعان می‌دارند محتوا و مضمون علم اقتصاد بر رفاه انسان متمرکز است. بر این اساس، آن‌ها عناصر اصلی فعالیت‌های اقتصادی را بدین شرح معرفی و توصیف می‌کنند:

• نیازهای انسان: تأمین نیازهای انسان، غایت اصلی اهداف اقتصادی است.

• منابع: کمیت و کیفیت منابع محدود است.

• فناوری تولید: فناوری، فوت‌وفن تبدیل منابع به کالاها و خدمات است.

در چهارچوب نظریه رفتار مصرف‌کننده، لفت‌ویچ و اکرت (۱۹۸۲) می‌گویند: مصرف‌کننده انفرادی در سطح درآمد داده‌شده، درصدد است رضایت‌خاطر خود را حداکثر کند و تولیدکننده درصدد است با قید هزینه، درآمد و سود خود را حداکثر کند. در نهایت، آن‌ها بر وجود فعالیت‌های نهادهای مردم‌نهاد در جامعه تصریح می‌کنند و می‌گویند: نهادهای مردم‌نهاد در مقایسه با نهادهای مبتنی بر انگیزه سود، به علامت قیمت و سود کمتر واکنش نشان می‌دهند. از نظر لفت‌ویچ و اکرت بخش بهداشت و درمان و آموزش عالی حوزه‌هایی هستند که فعالیت نهادهای مردم‌نهاد در آن‌ها وجود دارد.

در کتاب *اقتصاد خرد* کرپس (۱۹۹۰)، از نظریه اقتصاد خرد به عنوان تبیین‌کننده رفتار بازیگران انفرادی یاد شده و در سطح کلی، کنش آن‌ها در چهارچوب نهادی مختلف

بررسی شده است. منظور از بازیگران انفرادی، تولیدکننده و مصرف‌کننده هستند. تولیدکننده درصدد حداکثرسازی سود و مصرف‌کننده به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت است. قیمت، چهارچوب‌های نهادی را در بازار غیرشخصی تشکیل می‌دهد که طی آن ماهیت عمومی انتخاب افراد شکل می‌گیرد و سپس انتخاب‌های در دسترس وجود دارد و پیامدهای آن برای هر فرد یا افراد دیگر مشخص می‌شود.

نظریه‌ها و مسائل اقتصاد خرد عنوان کتاب سالواتوره (۱۹۷۴) است. در این کتاب، هدف نظریه برای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها ترسیم شده است. در سطح خرد، نظریه قیمت رفتار اقتصادی واحدهای تصمیم‌گیر انفرادی را در اقتصاد آزاد بررسی می‌کند و در این چهارچوب، فرض اشتغال کامل همه منابع صادق است. در این کتاب تصریح شده است اقتصاد اثباتی از اخلاق و قضاوت‌های ارزشی تهی است؛ در حالی که در اقتصاد دستوری، قضاوت‌های ارزشی جامعه نقش اساسی دارد. همانند دیگر کتاب‌های اقتصاد خرد، اساس تحلیل‌های توصیفی، هندسی و جبری این کتاب بر حداکثرسازی مطلوبیت مصرف‌کننده و حداکثرسازی سود تولیدکننده بنا شده است.

در کتاب *نظریه اقتصاد خرد* فرگسن (۱۹۶۶)، اهداف و مقاصد از هم تفکیک شده است. اهداف، تولید کالا و خدمت است، اما مقاصد برای انگیزه تولید کالا و خدمت کاربرد دارد و آن حداکثرسازی سود تولیدکننده و حداکثرسازی مطلوبیت مصرف‌کننده است. وی بر رابطه اقتصاد با دیگر علوم اجتماعی صحه می‌گذارد. نیکلسن و اسنایدر (۲۰۰۸) در کتاب *نظریه اقتصاد خرد: اصول بنیادی و توسعه آن*، دنیای واقعی را پیچیده می‌خوانند و استدلال می‌کنند برای ساده‌سازی دنیای واقعی از مدل اقتصادی استفاده می‌شود. آن دو برای استفاده از مدل، اذعان می‌دارند در شیمی ایده اتم یا مولکول در واقع مدل ساده‌شده ساختار موضوع است. در معماری از ماکت ساختمان، که شبیه‌سازی شده ساختمان در دنیای واقعی است، برای ساختن ساختمان استفاده می‌شود. در اقتصاد نیز کار مشابه انجام می‌شود؛ یعنی تصویر ساده‌ای از سبک و روش تصمیم‌افراد ارائه می‌شود؛ روشی که مصرف‌کننده و تولیدکننده به کار می‌برند و با تعامل همدیگر، بازار را ایجاد می‌کنند. آن‌ها تأکید می‌کنند شناسایی و تأیید مدل، کار ساده‌ای نیست.

با توجه به مباحث مختلف مطرح در کتاب‌های درسی، جمع‌بندی مباحث در خصوص انسان اقتصادی بدین شرح است:

• آرمان: از آنجا که نگاه بلندمدت بر این مکتب حاکم نیست، انسان اقتصادی فاقد

آرمان است و تصمیم‌گیران اقتصادی در تصمیم‌گیری بر نیازهای جاری و کوتاه‌مدت متمرکز هستند.

● هدف: این رویکرد با محوریت تأمین نیازهای مادی و جسمی تعریف می‌شود و از طریق حداکثرسازی مطلوبیت برای مصرف‌کننده و حداکثرسازی سود برای تولیدکننده به آن دست می‌یابند.

● افق زمانی زندگی: این رویکرد دوره حیات زندگی در این جهان را پوشش می‌دهد.
● فرض‌های الگوی حداکثرسازی: فرض‌های رقابت، کامل^۱ است. رقابت ناقص بر چهار فرض استوار است و با اضافه‌شدن فرض اطلاعات کامل تصمیم‌گیران اقتصادی (نظیر تولیدکننده و مصرف‌کننده)، فرض‌های لازم برای رقابت کامل برقرار می‌شود.

● نقش دولت: این رویکرد بر دولت حداقلی استوار است و بر کارکرد دست نامرئی به جای دولت اعتقاد دارد. با وجود این، در این رویکرد نقش دولت محدود به تضمین مالکیت خصوصی و قراردادهای اطمینان از ایجاد رقابت، نظیر ممنوعیت انحصار، برقراری امنیت و عدم پرداختی به نیروی کار بیکار و سایر حمایت‌ها برای ایجاد انگیزه بیشتر برای کار کردن است.

انسان اقتصادی در ادبیات بین‌المللی

واژه انسان اقتصادی^۲ را نخستین بار انگرام^۳ (۱۸۹۴) مطرح و از آن به عنوان حیوانی یاد کرد که به دنبال پول است. با وجود این، رودریگس - سیکرت^۴ (۲۰۰۹) تصریح می‌کند ابعاد نظری انسان اقتصادی به جان استوارت میل^۵ برمی‌گردد. رودریگس - سیکرت در تعریف انسان اقتصادی می‌گوید: فردی که حداکثرکننده رفاه بر اساس قید بودجه‌اش است. صاحب‌نظران (سن^۶، ۱۹۷۷؛ فهر و اشمیت^۷، ۱۸۸۱ و هنریچ^۸ و دیگران، ۲۰۰۱) از این نوع نگاه به انسان انتقاد و از آن به عنوان نگاه ساده‌انگارانه از انسان یاد کرده‌اند. انتقادهای

۱. سهم هر یک از بازیگران در بازار ناچیز است؛ نبود موانع و تحرک منابع، آزادی ورود و خروج به بازار، همگن بودن کالا در بازار، اطلاعات کامل است.

2. Economic Man (Homo Economicus)

3. Ingram

4. Rodriguez-Sickert

5. John Stuart Mill

6. Sen

7. Fehr and Schmidt

8. Henrich

بر این رویکرد استوار است که اقتصاد فراتر از مطالعه رفتار اقتصادی است، بلکه موضوعاتی نظیر آموزش و رفتار سیاسی در قالب رأی نیز در تصمیمات اقتصادی آن تأثیرگذار است.

در باره ویژگی‌های انسان اقتصادی، کریچ گسرنر^۱ (۲۰۰۸) عقلانیت ابزاری و علایق شخصی مادی را با اهمیت می‌داند. عقلانیت ابزاری به نائل شدن به خواست‌ها و اهداف به صورت مؤثر و کارآمد دلالت دارد. مایرز^۲ (۱۹۸۳) از علایق شخصی مادی به عنوان روح انسان اقتصادی مدرن یاد می‌کند. این ویژگی‌ها هسته اصلی نظریه‌های اقتصاد خرد را تشکیل می‌دهد که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. از جمله مبنای نظریه‌های حداکثرسازی، مطلوبیت مصرف‌کننده و سود تولیدکننده است که چهارچوب و اساس نظریه‌های مکتب نئوکلاسیک را تشکیل می‌دهد. امروزه نقشه ذهنی انسان اقتصادی در زندگی مدرن غربی شیوع و غلبه یافته است و موفقیت فردی بر اساس سرمایه‌های مالی سنجیده می‌شود (تویر دوهرله،^۳ ۲۰۱۲)؛ به همین دلیل افراد پولدار به طور نسبی در مقایسه با بیشتر اقشار این جوامع، شهرت و شناخت بیشتری دارند. لین^۴ (۲۰۰۷) تصریح می‌کند با وجود اینکه نظام سرمایه‌داری در کشورهای غربی حاکم است، اما آن کشورها با همدیگر تفاوت دارند، از جمله نوع نگاه به انسان اقتصادی در کشورهای غربی متفاوت است. در امریکا رویکرد اصلی بر سرمایه مالی استوار است. در اروپا رویکرد اجتماعی تری وجود دارد و در آسیا رویکرد اخلاقی و ایدئولوژیکی حاکم است.

انتقادات نظری و تجربی به انسان اقتصادی

در خصوص انسان اقتصادی انتقادات زیادی مطرح شده است. اجورت^۵ (۱۸۸۱) در نظریه مبادله به نوع دوستی خالص^۶ در این خصوص تأکید می‌کند که کاملاً مقابل نفع شخصی قرار دارد. وبلن^۷ (۱۸۹۸) اعتبار محاسبات و عقلانیت انسان اقتصادی را نقد می‌کند. جئورجسکو - رژی گن^۸ (۱۹۵۴) تصریح می‌کند مطلوبیت افراد نه تنها به رفاه فردی، بلکه به

-
1. Kirchgässner
 2. Myers
 3. Tverdohleh
 4. Lane
 5. Edgeworth
 6. Pure Altruism
 7. Veblen
 8. Georgescu-Roegen

رفاه جامعه‌ای که افراد به آن تعلق دارند، نیز وابسته است. در همین خصوص، ارو^۱ (۱۹۸۷) اعتقاد دارد مطلوبیت فردی ممکن است از رضایت خاطر افراد دیگر ناشی شود و یا برعکس. همچنین، منافع تعاملات در قالب قراردادهای اجتماعی نیز منافی برای افراد فراهم می‌کند. سن (۱۹۷۷) به نقل از اجورت، این اصل اقتصادی حاکم بر رفتار فردی را غیرواقعی می‌خواند و انسان اقتصادی را مدل بسیار ساده‌شده رفتار اقتصادی انسان می‌داند و اضافه می‌کند انسان اقتصادی قرن ۱۹ عمدتاً انسان خودخواه ناخالص است؛ در حالی که از تصمیم این فرد به‌عنوان «تصمیم عقلانی»^۲ یاد می‌شود. با توجه به انتقادات مطرح‌شده به انسان اقتصادی مکتب نئوکلاسیک‌ها، جایگاه مؤلفه‌های زیر در آن مکتب درباره دیدگاه‌ها و رفتار انسان اقتصادی خالی است، در حالی که این موارد در زندگی انسان‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد: نوع دوستی، خیرات و نیکوکاری، سخاوتمندی و ارث و میراث.

درباره تعریف محدود رفتار عقلانی و فردگرایی در چهارچوب مکتب نئوکلاسیکی، گوودی و سایدل^۳ (۲۰۰۴) تصریح می‌کنند شواهد تجربی در رشته‌های مختلف، از جمله انسان‌شناسی، بیولوژی، علم تصمیم‌گیری و روان‌شناسی^۴ مؤید این نکته است که با این رویکرد در تضاد است.

در جمع‌بندی انسان اقتصادی باید تصریح کرد، از انسان اقتصادی معرفی شده در مکتب نئوکلاسیک در طول تاریخ انتقاد شده است، حتی افرادی که در چهارچوب نظام فکری سرمایه‌داری می‌اندیشند، نیز از آن انتقاد کرده‌اند. از جمله بر صحت فرض رفتاری عقلانی این مکتب نقدهای جدی وارد شده است. همچنین، بر ابعاد اجتماعی انسان اقتصادی نظیر نوع دوستی و تأثیر آن بر تصمیمات اقتصادی تأکید شده و عدم اعتبار مفروضات این مکتب، بررسی شده است. گفتنی است بخشی از این رفتارها مانند خیرات و نیکوکاری و سخاوتمندی انسان، مؤلفه‌هایی هستند که در چهارچوب ارزش‌های اسلامی به آن‌ها تصریح شده است.

انسان از منظر هستی‌شناسی با رویکرد مطالعات اسلامی

بیشتر نویسندگان مسلمان بر انسان اقتصادی در رویکرد نئوکلاسیکی، انتقادات

1. Arrow

2. Rational Decision

3. Gowdy and Seidl

4. Anthropology, Biology, Decision Science and Psychology

هستی‌شناسی مطرح کرده‌اند. جهان هستی، از جمله خلقت وجود انسان، یکی از موضوعاتی است که جوادی آملی (۱۳۶۱الف) در قالب هستی‌شناسی به آن پرداخته است. وی با تصریح به جهان و انسان و پیوند بین آن‌ها، از آن به‌عنوان یک واقعیت یاد می‌کند و موجودات، اعم از مجرد و مادی و همچنین دنیا و آخرت را در قلمرو هستی‌شناسی می‌داند. جوادی آملی (۱۳۶۱ب) در تحلیل انسان تصریح می‌کند در نظام احسن جهان، نباید انسان را محور خیر و شر قرار داد، بلکه انسان مهره‌ای از مهره‌های جهان هستی است، و از این نظر امتیازی بر انسان قائل نیست. در ادامه بحث، وی به معرفی انسان کامل می‌پردازد که به یقین کامل رسیده است.

ویژگی‌های ارزشی انسان نیز در آثار مطهری (۱۳۸۵) بررسی شده است. وی از دید اسلامی به انسان و ابعاد آن می‌پردازد و به استناد قرآن و حدیث و همچنین ادبیات تاریخی ایران، ویژگی‌های ارزشی و ضدارزشی انسان را برمی‌شمرد. جوادی آملی (۱۳۶۱ب) در خصوص ویژگی‌های ارزشی انسان تصریح می‌کند انسان خلیفه خدا روی زمین است و دارای فطرتی خداآشنا، کرامت ذاتی، شرافت ذاتی و وجدان اخلاقی است. در خصوص ویژگی‌های ضدارزشی، انسان را ستمگر، نادان، ناسپاس، عجول و شتابگر، تنگ‌چشم و ممسک، مجادله‌گرترین مخلوق، حریص، جزع‌کننده و بخیل معرفی می‌کند. وی ضمن تصریح به چند بُعدی بودن انسان، برایش نقش فعال، مؤثر و بااهمیتی قائل است که به حکم عقل و اراده می‌تواند آزادانه، آینده‌خویش را انتخاب کند. در خصوص خودآگاهی انسانی، مطهری (۱۳۸۵) از «وجدان مشترک انسان» یاد می‌کند و احساس انسان‌دوستی و انسان‌گرایی را در همه افراد با تأکید بر شعر سعدی «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند ... تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی»، بر رویکرد انسان‌دوستانه و اجتماعی بودن انسان تأکید می‌کند و بیشتر به رابطه انسان با خداوند و مقایسه آن با دیگر مخلوقات می‌پردازد. در خصوص انسان، قرائتی (۱۳۷۵) به تصریح ویژگی‌های انسان نظیر جانشین خداوند بودن روی زمین، برتر بودن میان مخلوقات و امانتدار بودن، پرداخته است. در خصوص حیات انسان در این جهان به دنیاطلبی و بهره‌اندک زندگی در دنیا پرداخته و سپس به حیات آن دنیا به تفکیک حیات برزخی و حیات ابدی استناد کرده است.

یافته‌های این مطالعات از بُعد هستی‌شناسی مؤید این است که انسان در هستی در تعامل با خداوند معنا می‌یابد. لذا، زندگی دنیوی و اخروی مبتنی بر نگاه انسان مسلمان، بر تصمیم‌گیری‌های او از جمله تصمیمات اقتصادی او تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های مثبت و

منفی انسان که از قرآن و حدیث گرفته شده، فزازهایی از این پژوهش‌هاست که در تبیین رفتار انسان اقتصادی در بخش‌های بعدی استفاده خواهد شد. با وجود این در خصوص اینکه بتوان از دید هستی‌شناسی چه مؤلفه‌هایی را به صورت نظام‌مند انتخاب کرد تا انسان اقتصادی بر آن اساس تعریف و تبیین شود، هنوز مطالب چندانی ارائه نشده است؛ زیرا مباحث مطرح در این قسمت، با این هدف نگارش نشده است.

الگوی فکری - نظری انسان اقتصادی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی

بررسی ادبیات انسان اقتصادی مؤید این است که دیدگاه غالب نئوکلاسیکی در دنیای سرمایه‌داری در تبیین انسان اقتصادی ضعف‌های جدی دارد و در جمع‌بندی مباحث ارائه‌شده، فرض‌هایی که در چهارچوب مکتب نئوکلاسیک برای انسان اقتصادی مطرح است، اعتبار چندانی ندارد؛ از جمله:

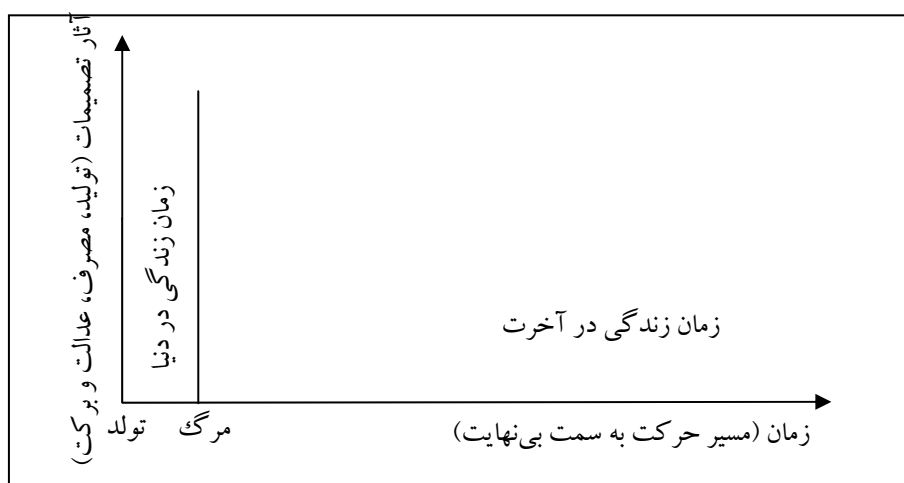
- عقلانیت رفتارها به دلایل مختلف از بعد نظری و تجربی معتبر نیست.
- نفع شخصی به تنهایی قادر به تبیین رفتار انسان اقتصادی نیست.
- وجود نگرش مادی به انسان در فعالیت‌های اقتصادی تنها بخشی از حقایق انسان اقتصادی را تبیین می‌کند.
- محدود کردن افق زمانی زندگی انسان به این دنیا، با مبانی هستی‌شناسی خلقت مطابقت ندارد.

با توجه به این موارد، در ادامه سعی می‌شود ابعاد انسان اقتصادی با تکیه بر مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای با محوریت رویکرد اسلامی - ایرانی بررسی شود. در این خصوص ابتدا افق زندگی و هدف انسان اقتصادی تبیین می‌شود و سپس با استناد به قرآن و حدیث، مبانی معرفتی با محوریت انسان اقتصادی بررسی و با برشمردن مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای (و در این رابطه، در سطح ملی، رفتار ایرانیان) و سرانجام، مدل فکری - نظری انسان اقتصادی تبیین خواهد شد.

افق زمانی

در چهارچوب مبانی معرفتی اسلام، انسان ترکیبی از جسم و روح است و روح انسان جاودانه است. به همین دلیل، افق زمانی انسان اقتصادی در چهارچوب اسلام، هم حیات دنیوی و هم حیات اخروی را پوشش می‌دهد و این نوع افق دید در کم و کیف رفتار انسان

اقتصادی تأثیرگذار است و به تبع آن، تخصیص منابع اعم از درآمد، ثروت و دارایی‌ها، با در نظر گرفتن ملاحظات و ادراکات از هر دو جهان صورت می‌گیرد.^۱ برای ارائه تصویر ساده و با هدف درک موضوع، نگاه به دوره حیات انسان - که حیات انسان در این جهان و جهان آخرت را پوشش می‌دهد - در نمودار ۱ ترسیم شده است.^۲



نمودار ۱ افق زمانی حیات دنیوی و اخروی انسان

قابل ذکر است یافته‌های تجربی هوفستده^۳ (۲۰۰۵) نگرش فرهنگی جوامع را بر اساس افق زمانی بررسی و تصریح می‌کند جوامع از بعد فرهنگی یا نگرش کوتاه‌مدت و یا نگرش بلندمدت دارند. در نگرش کوتاه‌مدت نظیر جوامع غربی، افراد بر نیازهای جاری توجه دارند؛ در حالی که افراد در نگرش بلندمدت مانند جوامع شرقی، به زندگی با فضیلت همراه با چشم‌انداز توجه دارند. با وجود این، هر دو نگاه با محوریت زندگی این جهان تحلیل شده است.

۱. گفتنی است افق زمانی مورد مطالعه در این مقاله فقط این جهان و جهان آخرت را پوشش می‌دهد و به زمان قبل از تولد انسان نمی‌پردازد.

۲. نمودارهای ترسیم‌شده در تبیین نظریه‌های اقتصادی، نظیر نظریه مصرف مودیگلیانی (Modigliani, 1918) (2003)، افق زمانی را حداکثر از زمان تولد تا مرگ پوشش می‌دهد (Mankiw, 2003, p. 450). در حالی که این نمودار علاوه بر زندگی این جهان، زندگی جهان دیگر را نیز پوشش می‌دهد تا تصمیمات مصرف‌کننده و تولیدکننده مسلمان را - که از افق زمانی دو جهان تأثیر می‌پذیرد - به‌وضوح نشان دهد.

3. Hofstede

غایت انسان اقتصادی

انسان اقتصادی برای تأمین نیازهای هم‌زمان جسم و روح خود فعالیت می‌کند و در این خصوص غایتش این است که رضایت خالق هستی را جلب کند. در این رابطه، نگرش بلندمدت بر تصمیمات انسان حاکم است و افق زمانی فرد هم این جهان و هم جهان آخرت را پوشش می‌دهد و در این فرایند، توجه به اصول اخلاقی و رعایت اعتدال مبتنی بر باورها و ارزش‌های اسلامی در تصمیمات فرد اهمیت دارد.

بدین منظور، مصرف‌کننده منابع و درآمد خود را برای خود و تأمین نیازهای فردی و یا امور هموعان (غیر خود) شامل امور اجتماعی و خیریه تخصیص می‌دهد. امور غیر خود شامل تأمین نیاز هموعان با رویکرد نوع‌دوستی و امور مختلف دیگر نظیر امور عمرانی برای جامعه، خدمات عام‌المنفعه و یا دیگر امور خیریه - که در هر دو حالت، رضایت حق تعالی را به همراه دارد - است.

مبانی معرفتی

مبانی معرفتی بر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی استوار است که در ادامه، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی بر اساس اسلام بررسی می‌شود. در هستی‌شناسی از موضوعاتی نظیر خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و در معرفت‌شناسی از شناخت دانش و معرفت بحث می‌شود. در این خصوص روش شناخت دانش مانند وحی، عقل، شهود و حس بررسی می‌شود.

در چهارچوب هستی‌شناسی، دو موضوع کلیدی خداشناسی و جهان‌شناسی است که در جهان‌بینی انسان اقتصادی مؤثر است؛ جهان‌شناسی با رویکرد اعتقاد به این جهان و جهان اخروی. در ادامه ابعاد خداشناسی که مبانی فکری انسان اقتصادی را تشکیل می‌دهد، بررسی می‌شود. صفات خداوند در کتاب طرح و مبانی اقتصاد در قرآن از دهشور و همکاران (۱۳۶۶) از قرآن استخراج شده است که به منتخبی از آن‌ها در این جا اشاره می‌شود:

۱. به فضل و رحمت خداوند به انسان در آیه‌های مختلف قرآن^۱ تصریح شده است، از جمله فضل و رحمت خداوند (بقره/۶۴)، خداوند دارای فضلی بزرگ است (بقره/۱۰۵)،

۱. نکه: بقره/۶۴، ۱۰۵، ۱۹۸، ۲۴۳، ۲۵۱ و ۲۶۸؛ آل عمران/۷، ۷۳، ۷۴ و ۱۷۴؛ نساء/۳۸، ۸۳ و ۱۷۳؛ انفال/۲۹؛ توبه/۲۸؛ انعام/۱۳۳، ۱۴۷؛ اعراف/۵۷، ۱۵۶؛ یونس/۵۸، ۶۰، ۱۰۷؛ هود/۳؛ نحل/۱۴؛ بنی اسرائیل/۱۲، ۶۶؛ یوسف/۵۶؛ حجر/۵۶؛ کهف/۱۶، ۵۸؛ نور/۱۰، ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۷ و ...

رحمت بخشیدن خداوند بسیار بخشنده (آل عمران/۸)، فرا گرفتن رحمت الهی بر همه چیز (اعراف/۱۵۶)، فضل و رحمت خداوند بهتر از آنچه گردآوری می‌شود (یوسف/۵۸)، از رحمت خداوند فقط گمراهان ناامید می‌شوند (حجر/۵۶)، پروردگار صاحب رحمت است (کهف/۵۸)، در آورد خداوند رحمت خویش هر که را خواهد (شوری/۸)، خداوند دارای فضل است برای جهانیان (بقره/۲۵۱)، بدهد به هر صاحب فضلی، فضلش را (هود/۳)، همانا خداوند دارای فضلی است بر مردم (نمل/۷۳).

۲. رزق و روزی خداوند برای انسان در آیات مختلف قرآن^۱ آمده است؛ از جمله خداوند روزی دهد هر که را خواهد بی‌شمار (آل عمران/۲۷)، بخورید از آنچه روزی داد شما را حلال و پاکیزه (مائده/۸۸)، روزی ده به ما و تویی بهترین روزی دهندگان (مائده/۱۱۴)، نکشید فرزندان خویش را از تنگدستی، ما روزی دهیم شما و ایشان را (انعام/۱۵۱)، روزی داد شما را از پاکیزه‌ها شاید شکر گذارید (انفال/۲۶)، همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است (جمعه/۱۱).

اصل توحید به‌عنوان یکی از اصول دین اسلام، خدامحوری انسان را نشان می‌دهد. اعتقاد به خداوند و صفات مطلقه آن، مبانی شکل‌گیری باورهای انسان است و این نگرش به خداوند متعال، در دیدگاه‌های انسان اقتصادی ریشه دارد.

در جهان‌شناسی، ابعاد دیگری از شناخت انسان به خلقت و جهان هستی ترسیم می‌شود. شناخت جهان هستی، هم جهان حاضر و هم جهان اخروی را پوشش می‌دهد. به همین دلیل، تصمیمات اقتصادی انسان با اعتقاد به دو عالم هستی اتخاذ می‌شود و رفتارها و کنش‌ها بر آن اساس شکل می‌گیرد.

با توجه به این موضوع، انسان و ابعاد اقتصادی آن، محوریت بحث هستی‌شناسی را تشکیل می‌دهد. با وجود این، باید تصریح کرد انسان‌شناسی با خداشناسی، جهان‌شناسی، دین‌شناسی و ارزش‌شناسی درهم تنیده است و انسان را بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان مطالعه کرد. از ویژگی‌های کلیدی انسان که با مباحث اقتصادی مرتبط است، ترکیب بودن او از جسم و روح و دارای قدرت اختیار و انتخاب بودن در اتخاذ تصمیمات است. علاوه بر آن، معاد از اصول دین اسلام است.

۱. نک: بقره/۲۲، ۵۷، ۶۰، ۱۷۳، ۲۱۲؛ آل عمران/۲۷، ۳۷؛ مائده/۸۸، ۱۱۴؛ انعام/۱۴۲، ۱۵۱؛ اعراف/۳۲، ۱۶۰؛ یونس/۳۱، ۵۹، ۹۳؛ هود/۶، ۸۸؛ رعد/۶؛ ابراهیم/۳۲۸؛ حجر/۱۹؛ بنی اسرائیل/۷۲، ۷۳، ۷۵، ۱۱۴؛

گفتنی است در قرآن آیاتی به رفتار اعتدالی انسان تصریح کرده است و این در حقیقت چهارچوب فکری رفتار اقتصادی انسان مسلمان را تشکیل می‌دهد. از جمله در سوره فرقان آیه ۶۷ آمده است: «و کسانی که چون خرج می‌کنند اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند»^۱ و در آیه ۵ سوره نساء^۲ از اموال به عنوان مایه قوام یاد شده است که بر محوریت اعتدال استوار است. با توجه به موارد گفته‌شده، در چهارچوب انسان‌شناسی، رعایت اعتدال یکی از ویژگی‌های انسان اقتصادی شمرده می‌شود.

بر اساس منابع قرآن و احادیث، خداوند برای انسان ویژگی‌های مثبت و منفی قائل شده است. ویژگی‌های ذکر شده از متون اسلامی که قبلاً در این مقاله بحث شد، عبارت‌اند از:

- ویژگی مثبت و ارزشی انسان: امانت‌دار الهی، کمال‌گرا بودن انسان، تکریم الهی قرار گرفتن انسان، دارای کرامت ذاتی، دارای شرافت ذاتی و دارای وجدان اخلاقی.
- ویژگی‌های منفی و ضد ارزشی انسان: ستمگر و نادان، مجادله‌کننده‌ترین مخلوق، عجول و شتاب‌گر، طغیان‌گر، ناسپاس، حریص، تنگ‌چشم و ممسک، جنع‌کننده و بخیل.

همان‌گونه که بحث شد، انسان در چهارچوب مباحث هستی‌شناسی، ترکیبی از جسم و روح است و انسان اقتصادی نیازمند این است که تصمیمات خود را به‌صورت ترکیبی انتخاب کند تا منابع برای تأمین نیازهای جسم و روح، تخصیص یابد. علاوه بر این، افق زمانی انسان اقتصادی، هم این جهان و هم جهان آخرت را پوشش می‌دهد. بنابراین، رفتار انسان اقتصادی پویا و بلندمدت است. تخصیص منابع به‌صورت بین‌زمانی و شامل زمان حال و آینده صورت می‌گیرد. رفتار انسان بر رویکرد تأمین نیازهای جاری در زمان حال و تأمین نیازهای روحی و معنوی در زمان آینده استوار است.

تعریفی که از زمان حال و آینده در اینجا مورد نظر است، با تعریف آن در ادبیات متعارف متفاوت است. هنگامی که انسان با رویکرد خیرخواهانه و نوع‌دوستی منابع خود را تخصیص می‌دهد، هر چند این کنش در زمان حال صورت می‌گیرد؛ اما افق آینده در نظر اوست و در مقابل چنانچه منابع را برای مصارف فردی اختصاص دهد، زمان حال را پوشش

۱. وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

۲. وَلَا تَتَّبِعُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.

خواهد داد. هر کنشی که نتیجه آن بر این جهان دلالت داشته باشد، زمان حال و هر کنشی که نتیجه و ثمرات آن ناظر بر جهان آخرت باشد، زمان آینده تعریف می‌شود. نکته بااهمیت در این فرایند این است که بنیان تخصیص منابع برای زمان حال و آینده در زندگی مسلمان را رضایت الهی تشکیل می‌دهد و یکی از مؤلفه‌های اساسی جهانی‌بینی شمرده می‌شود. در این خصوص، پایبندی به اصول اخلاقی، عامل مهم در خودکنترلی افراد است. از موارد گفته‌شده این‌گونه استنباط می‌شود که دین نقش مهمی در زندگی انسان دارد و محورهای اصلی آن در قالب اصول موضوعه - که مبنای تصمیمات انسان اقتصادی قرار می‌گیرد - شرح زیر است: محور قرار گرفتن رضایت الهی در تصمیمات، نگرش بلندمدت حاکم بر انسان با پوشش افق زمانی این جهان و جهان دیگر، تأمین نیازهای هم‌زمان جسم و روح انسان، رعایت اصول اخلاقی در تصمیمات، نوع‌دوستی و سخاوتمندی انسان، تصمیمات و رفتار اعتدال‌آمیز.

مبانی زمینه‌ای

مبانی زمینه‌ای بر مؤلفه‌های محیط زندگی دلالت دارد که ذهن انسان را شکل می‌دهد و بر تصمیمات، رفتار و کنش انسان تأثیرگذار است. از آنجا که شناسایی این ویژگی‌ها و دستیابی به اجماع نظر، از اهداف این مقاله نیست، لذا در ادامه نکته‌هایی در خصوص تبیین ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار موضوع، بیان می‌شود.

در مبانی زمینه‌ای، باورها، اعتقادات و ابعاد ساختاری نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار اقتصادی قشرهای مختلف جامعه دارد. درجه توسعه‌یافتگی جامعه از جمله یکی از تعیین‌کننده‌های تصمیمات انسان اقتصادی است. با وجود این، عواملی در سطح عملیاتی در ابعاد مختلف مهم هستند که به صورت حوزه‌های موضوعی کلان و تاریخی- فرهنگی قابل طبقه‌بندی است. این ابعاد در ادامه معرفی خواهد شد.

۱. حوزه‌های کلان

- اقتصادی: درآمد، دارایی و ثروت، عدالت اقتصادی؛
- اجتماعی: منزلت اجتماعی، سطح سواد، سرمایه انسانی، سخاوتمندی، سبک زندگی و الگوی تولید و مصرف جامعه، اعتماد، توازن اجتماعی؛
- فرهنگی: باورهای دینی، آداب و رسوم و سنت‌ها؛

● سیاسی: رفتار و تعامل عادلانه اقتصادی دولت با مردم، سیاست‌های اتخاذ شده در توازن میان احاد مختلف جامعه.

۲. ابعاد تاریخی - فرهنگی^۱

مؤلفه‌هایی که در طول تاریخ در جامعه شکل گرفته است، از جمله مؤلفه‌هایی است که در تاریخ اسلام و تاریخ ایران ریشه دارد. درس گرفتن از تاریخ و پندآموزی، از جمله الگوپردازی از رفتار و سیره معصومان صدر اسلام، الگوهای رفتاری تأثیرگذار هستند که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طول تاریخ تحول یافته و شکل گرفته‌اند و در الگوهای رفتاری انسان در ابعاد اقتصادی زمان حاضر تأثیرگذار هستند.

در ادامه این قسمت، نتایج پژوهش‌هایی که در سطح ملی، رفتار ایرانیان را با تأکید بر محورهای مرتبط با اقتصاد بررسی کرده‌اند، مرور می‌شود. سریع‌القلم (۱۳۸۹) بخشی از ویژگی‌هایی را که در طول تاریخ شکل گرفته و در دوره قاجار بر ویژگی‌های رفتاری انسان تأثیر گذاشته، بر شمرده است، از جمله انحصارطلبی در بهره‌برداری از قدرت و امکانات، ضعف اعتماد، تمایل در برهم‌زدن توافق‌ها، خودخواهی‌ها و خودمحوری‌های شدید و محدود کردن حقوق دیگران، بی‌اخلاقی در بیشتر روابط اجتماعی و وسعت قابل توجه حسادت نسبت به توانایی‌ها و موقعیت دیگران.

هوفستده (۲۰۰۵) در مطالعه میدانی خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان را در استفاده از روش میدانی شناسایی و این‌گونه نتیجه‌گیری کرده است: سنت‌ها به چندین و چند نسل قبل باز می‌گردد و به واسطه وقایع تاریخی تقویت و یا تضعیف می‌شود، انتظار نابرابری بین مردم و مطلوب بودن آن، اخلاق کاری ضعیف در تولید و فراهم‌سازی دانش مشارکت عملی وجود دارد؛ سمت‌گیری به سوی جمع‌گرایی است؛ آرمان مردم خدمت به افراد و همدردی با افراد بداقبال بیشتر از همدلی با افراد موفق است.

در پژوهشی میدانی، محسنی (۱۳۷۹) ویژگی‌های ایرانیان را این‌گونه توصیف کرده

۱. در این قسمت سعی شده است برای شناخت مبانی زمینه‌ای از بیان کلیات پرهیز شود و به صورت کیفی و کمی به یافته‌های پژوهش‌هایی به‌ویژه پژوهش‌های میدانی استناد شود. با وجود این، اعتبار علمی نتایج و تعمیم آن‌ها به کل مردم و کل کشور در زمان‌های مختلف، موضوعی است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته نشده است. هر چند در پژوهش‌های میدانی، پژوهشگران اذعان داشتند که انجام پژوهش با رعایت اصول علمی صورت گرفته و به کل کشور تعمیم‌پذیر است.

است. پنج ویژگی خوب آنها خوش اخلاقی، باایمانی، باتقوایی، اجتماعی بودن و صداقت و صفات دیگر عبارت‌اند از: دلسوزی، گذشت، فهمیدگی و ادب. در توصیف آدم‌های بد ویژگی‌هایی نظیر بداخلاقی، دروغ‌گویی و بی‌ایمانی را برمی‌شمارد. علاوه بر آن، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد پول‌گرایی یک موضوع رایج در جامعه است. ۷۷/۳ درصد پاسخ‌گویان این پژوهش اعتقاد داشتند هموطنان همه دنبال پول هستند و تنها ۷/۶ درصد با این عقیده مخالف بودند. ۱۵/۴ درصد افراد اعتقاد داشتند که انسان در این دنیا باید فقط به فکر خودش باشد؛ در حالی که ۷۴ درصد با این نظر مخالف بودند. ۹۵/۳ درصد افراد اعتقاد داشتند درستکاری ارزش اجتماعی بسیار مهم است.

در پژوهش دیگری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ اطلاعات ایرانیان را به روش میدانی شناسایی کرده است. ارزش‌های اخلاقی ایرانیان از دید پاسخ‌گویان بدین شرح است: ۷۶/۱ درصد گفته‌اند همیشه به مدد جستن از خداوند اعتقاد دارند؛ ۹۵/۹ درصد گفته‌اند به محاسبه روز جزا اعتقاد دارند؛ علاوه بر آن ۱۶/۶ درصد گفته‌اند، انصاف میان مردم زیاد است، ۳۰/۸ درصد گفته‌اند خیرخواهی و کمک زیاد است؛ ۹۶ درصد گفته‌اند تقلب و کلاهبرداری زیاد است؛ ۲۳/۲ درصد گفته‌اند گذشت زیاد است. اعتماد به گروه‌ها و اصناف بدین شرح است: اعتماد به معلمان ۸۰ درصد، استادان ۷۲/۱ درصد، روحانیون ۴۶/۷ درصد، قضات ۴۴/۷ درصد، روزنامه‌نگاران ۳۰/۷ درصد، رانندگان تاکسی ۲۵ درصد، کسبه ۱۷/۲ درصد، تجار و بازاریان ۱۱/۳ درصد و بنگاه‌داران ۶/۵ درصد است.

نکته بااهمیت در بحث این قسمت این است که مبانی معرفتی بر ابعاد نظری تمرکز دارد؛ در حالی که مبانی زمینه‌ای بر حقایق آشکار شده جامعه استوار است. ترکیب این دو، تصمیمات انسان اقتصادی را در دنیای واقعی تعیین می‌کند. گفتنی است بعضی ویژگی‌های مطرح در مبانی زمینه‌ای از جمله اینکه ۹۵/۹ درصد به محاسبه روز جزا اعتقاد دارند و یا ۷۶/۱ درصد مردم به مدد جستن از خداوند اعتقاد دارند، مؤید این است که میان مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای قرابت زیادی وجود دارد. با وجود این، بعضی از موارد نظیر گرایش مردم به پول و یا پابندی کمتر به اصول اخلاقی در دنیای واقعی، سبب می‌شود تبیین مدل نظری تفصیلی برای کشور با چالش مواجه شود. به همین دلیل، در این مقاله دو رویکرد یکی بر اساس مبانی معرفتی و دیگری ترکیبی از مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای، معرفی و بررسی خواهد شد.

مدل فکری - نظری انسان اقتصادی

در قسمت‌های قبل، ابعاد مختلف مبانی فکری - نظری مؤثر بر تصمیمات انسان اقتصادی در چهارچوب رویکرد اسلامی بحث و بررسی شد. در این قسمت، با الگوسازی مبانی، فرایند تأثیرگذاری آن‌ها در تصمیمات و در نهایت رفتار انسان اقتصادی تبیین می‌شود. برای این منظور، ابتدا از مباحث قبل، جمع‌بندی اصول موضوعه انسان اقتصادی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- مطلوب و آرمان: رضایت الهی؛
- هدف: تأمین نیازهای روح و جسم در راستای آرمان (رضایت الهی)؛
- افق زمانی حیات: افق زمانی دوره حیات زندگی در این جهان و جهان آخرت را پوشش می‌دهد؛ لذا زندگی دنیا کوتاه‌مدت و زندگی آخرت پایدار و بلندمدت^۱ و دائمی شمرده می‌شود؛
- مفروضات: اولویت دادن به زندگی در آخرت؛^۲ رعایت اصول اخلاقی در تصمیمات؛ تکریم هموعان (انفاق، صدقه، استعانت نیازمندان، احسان، بر، خیر، قرض الحسنه، جهاد با مال)؛ عدم اسراف، اتراف، تبذیر، بخل و رعایت اعتدال؛ فضل و رحمت خداوند به انسان در طول زندگی و توسعه برکت الهی؛
- نقش دولت: مسئول در دستیابی به عدالت اقتصادی و توازن اجتماعی در فرایندهای مختلف تولید، توزیع و مصرف.

در متون اسلامی وظایف روشنی برای حکومت و دولت در قبال امور اقتصادی تعیین شده است که مداخله دولت را موجه می‌کند. با وجود این، آزادی در فعالیت‌های اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. اصل نخستین در فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه اسلام، آزادی است و هر مسلمانی حق دارد در چهارچوب احکام و قوانین شریعت، آزادانه به فعالیت پردازد و دولت حق ندارد جلوی آزادی‌های مشروع و قانونی افراد را بگیرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۶-۳۷). از جمله ممنوع‌بودن تولید و مصرف کالاها و خدمات حرام در چهارچوب احکام شریعت است. برپا داشتن عدالت یکی دیگر از وظایف حکومت

۱. آیه ۱۷ سوره اعلی: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَتْقَى» و آیه ۳۹ سوره غافر: «وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ».

۲. آیه ۷۷ سوره نساء: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظَلَمُونَ فَتِيلًا»، آیه ۸۶ سوره بقره: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»، و نیز آیه ۱۸۵ سوره آل عمران و آیه ۶۴ سوره عنکبوت.

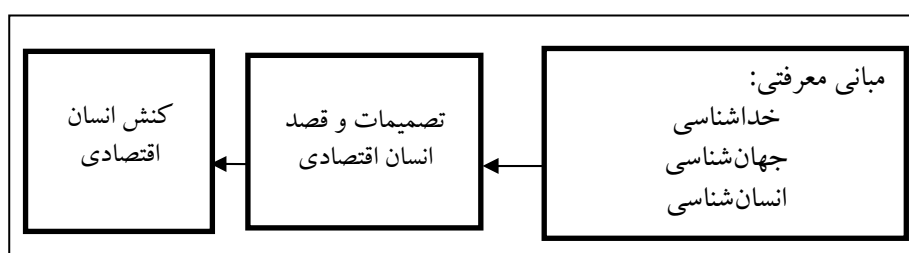
اسلامی است. یکی از اهداف دولت اسلامی جلوگیری از ستم اجتماعی و برپاداشتن عدالت، به‌ویژه در ابعاد معیشتی و اقتصادی است. در تعریف عدالت اقتصادی، دیدگاه‌های گوناگون مطرح است. تعریفی که از جهت استناد، مدرک قابل دفاعی داشته باشد و از جهت عمل بتوان برای آن الگویی عملیاتی طراحی کرد، تعریفی است که بر رفع فقر و محرومیت، ایجاد رفاه عمومی و توازن در ثروت‌ها و درآمدها استوار است. دولت اسلامی مسئولیت دارد با کنترل و نظارت رفتارهای اقتصادی مردم و از طریق اجرای احکام اقتصادی اسلام در عرصه حقوق مالکیت، آزادی‌های فردی و اجتماعی و مقررات توزیع قبل و پس از تولید و توزیع مجدد درآمدها، زمینه رفع فقر و ایجاد توازن اقتصادی را فراهم سازد. سازوکار دخالت دولت از دیدگاه شهید صدر (۱۳۶۰)، ابعاد گسترده‌تری دارد. وی در کتاب *اقتصاد ما (۱۳۶۰)* تصریح می‌کند تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی به عهده دولت اسلامی است و سیاست کلان رشد و توسعه اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که به نفع عموم مردم منجر شود.

تأمین اجتماعی، یعنی دولت عهده‌دار رفاه نسبی همه افراد جامعه است: نخست، از طریق تأمین وسایل کار و امکان مشارکت باکرامت در فعالیت‌های اقتصادی و دوم، در صورت وجود شرایط خاص، نبود اشتغال. توازن اجتماعی در زندگی با نزدیک کردن سطح زندگی و ایجاد توازن اجتماعی در درآمد با منع تمرکز ثروت و انحصار و احتکار میسر است. برای دستیابی به آن‌ها از تدابیر سلبی استفاده می‌شود، از جمله منع انحصار و تمرکز ثروت و کاهش عدم توازن در درآمد. تدابیر ایجابی از طریق نزدیک کردن سطح زندگی مانند وضع مالیات، سرمایه‌گذاری در بخش عمومی محقق می‌شود. همچنین، با قانون‌گذاری مانند سازوکارهای تحریم ربا به منظور کاهش هزینه تولید و مصرف محرومان در راستای منع انتقال ثروت از محرومان به ثروتمندان، تحریم اسراف، قانون ارث از طریق تقسیم آن میان همه وراث امکان‌پذیر است؛ لذا، اجرای سیاست کلان رشد و توسعه اقتصادی به نفع عموم مردم بهره‌برداری از تمامی امکانات و منابع به نفع بخش عمومی، میسر خواهد شد.

با توجه به موارد گفته‌شده در این مقاله، مبانی فکری انسان اقتصادی در قالب دو رویکرد تبیین‌پذیر است:

۱. رویکرد فکری - نظری (مبتنی بر مبانی معرفتی). این رویکرد در شکل ۱ تبیین و ارائه شده است. رویکرد فکری - نظری، مدل مطلوب و آرمانی است. نقش هر یک

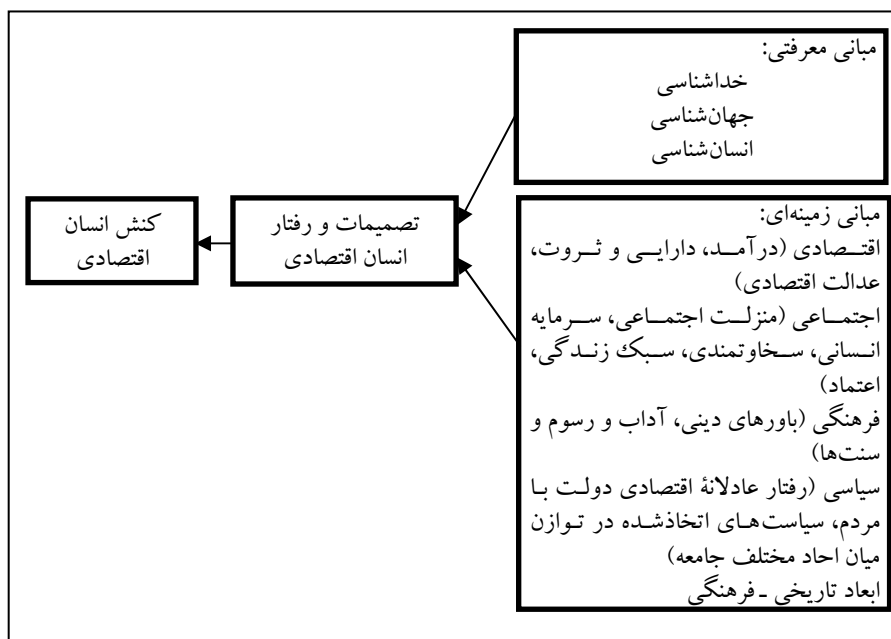
از ابعاد مبانی معرفتی یعنی خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی در تبیین رفتار انسان اقتصادی مسلمان تأثیرگذار است. یعنی رفتار انسان در این حالت با آنچه در قرآن و حدیث آمده، مطابقت دارد و در حقیقت رویکردی آرمانی و مطلوب شمرده می‌شود. این رفتارها اصولاً در معصومان و اولیای الهی عینیت پذیر است. با وجود این، هر فرد مسلمان قادر است با تبعیت از الگوی‌های رفتاری اسلام به جایگاه والا و مطلوبی برسد.



شکل ۱ مدل فکری - نظری (مبتنی بر مبانی معرفتی): رفتار انسان اقتصاد

۲. مدل فکری - نظری تلفیقی (مبتنی بر مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای). این مدل در شکل تبیین و ارائه شده است. در این مدل از یک طرف نگرش فلسفی به کائنات در نظر گرفته شده است و از طرف دیگر، مبانی زمینه‌ای را که اقتضائات زمانه را در نظر می‌گیرد، پوشش می‌دهد؛ یعنی هم مبانی معرفتی و هم مبانی زمینه‌ای بر تصمیمات و رفتار انسان اقتصادی مؤثر هستند. رفتار مسلمان در هر یک از جوامع اسلامی بر اساس مبانی اسلامی و اقتضائات مکانی و تاریخی که بر شکل‌گیری نگرش انسان و به تبع آن در تصمیمات انسان مؤثر است، تبیین می‌شود و در نهایت آثار تصمیمات در قالب کنش، به فعلیت درمی‌آید.

با توجه به اینکه کتاب‌های درسی اقتصاد خرد بر تبیین رفتار انسان اقتصادی مکتب با توجه به اینکه کتاب‌های درسی اقتصاد خرد بر تبیین رفتار انسان اقتصادی مکتب نئوکلاسیک استوار است، می‌توان دو رویکرد را به‌طور مجزا در تبیین رفتار انسان مسلمان به کار برد و آموزش داد؛ یعنی هم رویکرد نظری و هم رویکرد نظری - کاربردی را در دنیای واقعی به دانشجویان آموزش داد. لازم است دانشجویان علاوه بر اینکه بر مبانی معرفتی مؤثر بر رفتار انسان اقتصادی در مکاتب مختلف شناخت می‌یابند، بر مبانی زمینه‌ای کشور خود نیز آگاهی و اشراف داشته باشند. بنابراین، ابعاد تفصیلی مدل را می‌توان با رویکردهای مختلف در قالب کتاب درسی مستقل برای دانشجویان آموزش داد.



شکل ۲ رویکرد فکری - نظری تلفیقی (مبتنی بر مبانی اسلامی و اقتضائات مکانی و تاریخی): رفتار انسان اقتصادی

نتیجه‌گیری

این مقاله با بررسی متون منتخبی از کتاب‌های درسی اقتصاد خرد تدریس شده در ایران، مفروضات حاکم بر نظریه‌ها را در خصوص انسان اقتصادی، آسیب‌شناسی کرد و خلأهای آن‌ها را در ابعاد مبانی معرفتی و مبانی زمینه‌ای برشمرد و در مسائل اساسی، انسان اقتصادی را با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی، تبیین کرد. این فرایند با بهره‌گیری از مبانی معرفتی اسلام و مبانی زمینه‌ای ایران، الگوی فکری - نظری که رفتار انسان اقتصادی را نشان می‌دهد، تبیین کرده است.

بدین منظور، مبانی انسان اقتصادی در کتاب‌های دانشگاهی بررسی شد و سپس نقدهایی نظری و تجربی که در ادبیات اقتصادی وجود دارد، مرور شد و با بررسی مبانی رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده در چهارچوب مبانی معرفتی اسلام و مبانی زمینه‌ای ایران، در نهایت الگوی فکری - نظری که مبانی تصمیمات انسان اقتصادی را تشکیل می‌دهد، طراحی شد. با توجه به نکته‌های مورد بحث در این مقاله، مبانی فکری انسان اقتصادی در

قالب مدل فکری - نظری با دو رویکرد برای تبیین رفتار انسان اقتصادی در جوامع اسلامی استخراج شد. بنابراین، لازم است دانشجویان علاوه بر اینکه بر مبانی معرفتی مؤثر بر رفتار انسان اقتصادی در مکاتب مختلف شناخت پیدا می‌کنند، بر مبانی زمینه‌ای کشورها نیز آگاهی و اشراف یابند.

منابع

- ایروانی، جواد (۱۳۹۱). «انسان اقتصادی از دیدگاه قرآن»، *آموزه‌های قرآنی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۵.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۸). *صحیفه نور*، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- پورفرج، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴). «دینداری و رفتار اقتصادی: روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان اقتصادی اسلام»، *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، س ۷، ش ۲، ص ۶۸-۳۳.
- تفضلی، فریدون (۱۳۹۱). *تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر*، چ دهم، تهران: نشر نی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۱الف). «نظام احسن جهان هستی»، بر گرفته از سایت <http://javadi.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=MjE3-X4%2frLLD5wkQ%3d>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۱ب). «شناخت‌شناسی»، بر گرفته از سایت <http://javadi.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=MjE2-FLOC%2fpmGGwg%3d>
- دهش‌ور، مسعود و دیگران (۱۳۶۶). *طرح و مبانی اقتصاد در قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زراءزاد، منصور (۱۳۹۲). «مقدمه‌ای بر آموزش اقتصاد با رویکرد بومی‌سازی و نوین‌سازی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۲، ص ۷۸-۷۷.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹). *اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار*، چ پنجم، تهران: مؤسسه شهر نشر.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۵). *سیمای انسان در قرآن بر اساس تفسیر نور*، گردآوری روح‌الله فیض‌الهی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: انسان در قرآن*، چ بیست‌وپنجم، تهران: انتشارات صدرا.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۴). *مثنوی معنوی*، تهران: امیرکبیر.
- منظور، داود و همکاران (۱۳۹۲). «اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی»، *فصلنامه پژوهش و سیاست‌های اقتصاد رفتاری*، دوره ۲۱، ش ۶۵، ص ۱۰۵-۱۲۲.
- منظور، داود و مجتبی طاهری (۱۳۹۲). «عقلانیت اقتصادی در بوتۀ نقد اقتصاد رفتاری»، *فصلنامه*

- پژوهش و سیاست‌های اقتصاد رفتاری، س ۲۱، ش ۶۸، ص ۱۵۹-۱۷۹.
 صدر، محمدباقر (۱۳۶۰). *اقتصاد ما: بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه اسپهبدی، ج ۱ و ۲، انتشارات اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان-یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ویرایش اول، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- Arrow, K. (1987). "Economic Theory and the Postulate of Rationality", eds. J., Eatwell, et al., *The New Palgrave Dictionary of Economics*, vol. II, MacMillan, London, pp. 69-75.
- Edgeworth, F.Y. (1881). *Mathematical Psychics*, London: LSE Reprint 1934.
- Fehr, E. and K. Schmidt (1999). "A Theory of Fairness, Competition, and Cooperation", *The Quarterly Journal of Economics*, 114 (3), pp. 817-868.
- Ferguson, C. E. (1966). *Microeconomic Theory*, Irwin Inc: Richard D.
- Georgescu-Roegen, N. (1954). "Choice, Expectations, and Measurability", *Quarterly Journal of Economic*, 63, pp. 503-534.
- Gowdy, J. and I. Seidl (2004). "Economic Man and Selfish Genes: the Implications of Group Selection for Economic Valuation and Policy", *Journal of Socio-Economics*, 33, pp. 343-358.
- Hofstede, G. (2005). *Culture and Organization: Software of the Mind*, 2nd Edition London: MacGraw-Hill.
- Henrich, J. et al. (2001). "In Search of Homo Economicus: Experiments in 15 Small-Scale Societies", *American Economic Review*, no. 91(2), pp. 73-79.
- Ingram, J. K. (1894). *A History of Political Economy*, New York: Macmillan.
- Kirchgässner, G. (2008). *Economics and Other Social Sciences*, New York: Springer Science Business Media, LLC.
- Kreps, D. M. (1990). *A Course in Microeconomics Theory*, Tokyo: Harvester Wheatsheaf.
- Lane, D. (2007). The 'varieties of Capitalism' Paradigm and Post-communist Countries, eds. David, Lane and Martin, Myant, *Varieties of Capitalism in Post-communist Counties (Studies in Economic Transition)*, London: Palgrave Macmillan.
- Leftwich, R. H. and R. D. Eckert (1982). *The Price System and Resource Allocation*, E Edition, CBs College Publicating. USA: The Dryden Press.
- Mankiw, G. N. (2003). *Macroeconomics*, 5th Edition, Worth Publishers, New York, NY.
- Myers, M. L. (1983). *The Soul of Modern Economic Man: Ideas of Self-interest*, Thomas Hobbes to Adam Smith, University of Chicago Press.
- Nicholson, W. and C. Snyder (2008). *Microeconomic Theory: Basic Principles and Extensions*, 10th Edition. USA: Thomson Higher Education.
- Rodriguez-Sickert, C. (2009). "Homo Economicus", eds. Jan Peil and Irene Van Staveren,

Handbook of Economics and Ethics, Edward Elgar Publishing, Cheltenham, UK: pp. 223-229.

Salvatore, D. (1974). *Schaum's Outline of Theory and Problem Microeconomic Theory*, McGraw-Hill.

Sen, A. (1977). "Rational Fools: A Critique of the Behavioural Foundations of Economic Theory", *Philosophy and Public Affairs*, no. 6, pp. 317-344.

Smith, A. (1761). *The Theory of Moral Sentiments*, 2nd edition, A Millar Landon.

Tsoufidis, L. (2010). *Competing Schools of Economic Thought*, London/New York: Springer Heidelberg Dordrecht.

Tverdohleh, E. (2012). "The Institutional Change in Action: Transitioning to Economic Man", *Communist and Post-Communist Studies*, no. 45, pp. 363-373.

Varian, Hal R. (2006). *Intermediate Microeconomics*, 7th edition, New York: W. W. Norton & Company.